

بزرگداشت ستر استیغ و خلق عالم

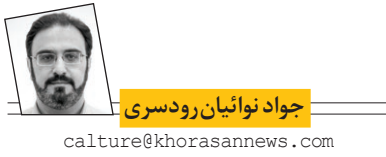
بزرگداشت روح و جبرئیل و جبرئیل

بزرگداشت عیسی و تمیم کریمین

فتح صور حاتم و عمر شاعر عظم سلسله

روضة روز پنجم: مقتل عبدا... بن حسن بن علی(ع)

# شهادت نامه نوجوان ۱۲ ساله



جواد نوائیان رودسری

calture@khorasannews.com

دیگر کسی باقی نمانده بود؛ همه یاران سیدالشهدا(ع) شربت شهادت نوشیده بودند و پیکرهای غرق در خون آن ها، در خیمه ای، کنار یکدیگر آرمیده بود.امام(ع)عزم میدان داشت؛سوار بر اسب تا مقابل آن قوم خیانت پیشه تاخت؛آن گاه شمشیر به دست،دوباره به معرفی خویش پرداخت؛ شاید آن قوم سیاه دل باندند که چه می کنند و روی چه کسی تیغ می کشند؟ شاید در همان دقایق پایانی،در همان ثانیه های آخر،قلب یک نفر لرزید، وجدان یک نفر بیدار شدو خودش را به قافله عشق ر ساند؛ مانند خرّ و چند تن دیگر که در دوراهی سر نوشت ساز، راه حق را برگزیدند و از مهلکه ای هولناک گریختند:«أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الطُّهْرِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ / كَفَانِي بِهَذَا مَقْفَرًا حِينَ أَفْخَرُ (هر گاه بخواهم به چیزی افتخار کنم، همین بس که فرزند علی،آن مرد والا از تبار هاشم هستم)وَجَنِّي رَسُولٌ...أَكْرَمُ مَنْ مَضَى / وَنَحْنُ سِرَاجٌ...فِي الْخَلْقِ نُرٌّ»(چدم پیامبر خداست،بهترین خلق و ما[اهل بیت] چراغ فروزان پروردگار در میان انسان ها هستیم)...بلای در در «انساب الاشراف»آورده است که امام(ع) مبارز طلبید و هر کس از جنگاوران دشمن که به مصاف او می آمد، یارای مقاومت نداشت. تاآن که سیدالشهدا(ع)امحاصره کردند. طبری در «تاریخ الامم و الملوک» می نویسد که پس از محاصره

اباعبد... (ع)مالک بن نُسَیر از فرصت سوءاستفاده کرد و ضربتی بر سر مبارک امام(ع)وارد آورد. خون بر چهره نورانی او دوبید. شدت جراحت چنان بود که سیدالشهدا(ع) «جَنَهِ کَلا هِدَارا[ که از خز و بر اثر ضربت مالک پاره شده بود]کناری انداخت و کلاهی پوشید و عمامه ای روی آن بست؛این در حالی بود که امام[ع)]خسته و ناتوان شده بود.»

#### ■ لااقل آزاده باشید

ابن قتّال نیشابوری در «روضةالواعظین»، گزارشی را در باره این دقایق نقل می کند که آتش به دل پاکدلان می زند. ابن قتّال می نویسد که حسین(ع) پس از بستن عمامه، نگاهی به سمت راست و چپ خود کرد و کسی را ندید؛ سپس سرش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «خدا یا! تو می بینی که نسبت به فرزند پیامبرت چه می کنند.» شمر بن ذی الجوشن، دستور داد به صورت جمعی بر سیدالشهدا(ع) بتازند. امام(ع) حمله را دفع کرد؛ اما آن نابکاران، راه خیمه گاه را پیش گرفتند. این جا بود که پسر فاطمه (س) فریاد برآورد: «ای پیروان خاندان ابوسفیان، اگر دین ندارید و از ستاخیر نمی ترسید، لااقل در دنیا ی خودتان آزاده باشید.» ابن اعثم کوفی در کتاب «الفتوح» آورده است که شمر بعد از شنیدن این سخنان، به امام حسین(ع) گفت: «ای حسین! چه می گویی؟» امام(ع)فرمود: «من باشما می جنگم و شما بمن نبردمی کنید؛ زن و کودک ان گناهی ندارند؛ ما من زنده ام، سرکشان و طغیانگران و جاهلان خود را از حمله به خانواده ام باز دارید.» شمر گفت: «ای پسر فاطمه! این حرف تور است است و آن را پذیر فقیم.» کوفیان از هر سو



#### ■ یادگار برادر

عبدا...، نوجوانی ۱۱ یا ۱۲ ساله بود که پس از شهادت پدر بزرگوارش، امام مجتبی (ع)، تحت سرپرستی و تربیت امام حسین (ع) قرار داشت و با آن حضرت به کربلا آمد. طبری در «تاریخ الامم و الملوک»، ماجرای شهادت عبدا... بن حسن را

به طرف امام حسین(ع) هجوم آوردند، در حالی که آن حضرت، خسته و باتنی پُر از زخم به دفاع در برابر هجمه آن قوم نابکار بر خاسته بود. حلقه محاصره، هر لحظه تنگ تر می شد؛ در ست در همین لحظات بود که عبدا... بن حسن، از خیمه گاه بیرون آمد و به سوی سیدالشهدا(ع) دوبید.

## چه کسانی امام حسین(ع) را به کوفه دعوت کردند؟



کوفه، شهری در عراق

دنیا ی اسلام به سوی خود بودند. واضح است که مرکزیت این شهر، علاوه بر اهمیت سیاسی، فواید اجتماعی و اقتصادی فراوانی نیز برای اهالی آن در برداشت؛ امایس از تسلط معاویه بر مقدرات مملکت اسلامی و در پی سیاست کاستن از اهمیت کوفه، این شهر به شهری عادی تبدیل شده بود.

د- با شروع نامه نگاری، شور و هیجان بی انداز های در کوفه ایجاد شد و عده یادی از نان به نرخ روز خوران نیز، تحت تأثیر این حالت، به نهضت پیوستند.

ه- عده ای از سران و متنفذان قبایل، مانند شیب بن ربیع و حِجّار بن ابجر که میانه خوبی با اهل بیت(ع) نداشتند و حتی از گروه مخالفان ایشان به شمار می آمدند، برای آن که از قافله عقب نمانند و در حکومتی که امام حسین(ع) تشکیل می دهد، نفوذ و ریاست خود را حفظ کنند، در نهضت نامه نگاری شرکت کردند.

#### ■ نامه نگاران چه میزان از جامعه کوفه را تشکیل می دادند؟

این پرسش به این دلیل اهمیت دارد که غالباً تصور می شود که اکثریت قریب به اتفاق جامعه کوفه آن روز، به امام حسین (ع) نامه نوشتند؛ بنابراین رویگردانی آن ها از نهضت، مانند یک معضل تاریخی مطرح می شود. برای پاسخ به این پرسش، لازم است نخست برآوردی هر چند اجمالی از جمعیت کوفه آن روز داشته باشیم. کوفه در سال ۱۷ هجری قمری به دستور خلیفه دوم و به دست سعد بن ابی وقاص، به منظور برپایی یک پادگان نظامی برای پیگیری هر چه بیشتر فتوحات مسلمانان در جبهه شرقی (ایران، بنیان نهاده شد.

عمر دستور داده بود مسجد این شهر دارای چنان مساحتی باشد که تمام جمعیت جنگجو و مجاهد را در خود جا دهد و مسجدی که طبق این دستور پی ریزی شد، گنجایش ۴۰ هزار نفر را داشت ... کوفه پس از تأسیس، به علت آب و هوای خوش و نز دیکی به ایران و وضعیت اقتصادی مناسبی که از راه غنایم و خراج سرزمین های فتح شده به دست آورده بود، پذیرای سیل مهاجرت اقوام و گروه های مختلف از سراسر مملکت وسیع اسلامی آن روز شد؛ به گونه ای که پس از مدت کوتاهی، شهر های بزرگ اطراف خود، مانند حیره، انبار و مدائن را تحت الشعاع قرار داد. این مهاجرت ها، به ویژه در سال ۳۶ ه.ق که حضرت علی(ع) این شهر را مرکز حکومت خود قرار داد، شدت بیشتری یافت، طوری که تعداد سپاهیان آن حضرت در جنگ صفین را که در سال ۳۷ ه.ق روی داد، حدود ۹۰ هزار نفر ذکر کرده اند. گر چه تعدادی از سپاهیان، از قبایل اطراف کوفه بوده اند، اما می توان حدس زد که حدود ۷۰ هزار نفر آنان، از خود کوفه بودند. بر این اساس، می توان جمعیت کوفه را حدود ۲۰۰ هزار نفر تخمین زد[ البته این جمعیت در دوره های بعدی، افزایش چشمگیری یافت ... در سال ۶۰ و در پی مرگ معاویه، برخی کوفیان بانوشتن نامه به امام حسین(ع)، از ۱۰۰ هزار نیروی آماده به خدمت لشکر عمر بن سعد که در دروایت از امام سجاد(ع) و امام صادق(ع) به آن اشاره شده است، با توجه به بسیج عام این زیاد، رقم معقولی به نظر می رسد که باز هم تعداد آن، به نصف جمعیت مجاهد کوفه نمی رسد. در این جا می توان این احتمال را تقویت کرد که تعداد بسیاری از این سپاهیان، از نامه نگاران و هواداران مسلم نبوده اند؛ زیرا ابدها، همین کوفیان در سال ۶۶ ه.ق، سپاه ۶۰ هزار نفری مختار را تشکیل دادند.

#### فراخوان شهر داری قوجان

موضوع: نصب و راه اندازی سیستم پایش(کنترل) سرعت و تشخیص الکترونیکی تخلفات رانندگی به آگاهی می رساند شهرداری قوجان در نظر دارد پیرو فراخوان های مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۸ و ۱۴۰۲/۰۲/۲۱ و با عنایت به مفاد بند (ج) تبصره (۱۱) قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور در خصوص نصب و راه اندازی سیستم پایش(کنترل) سرعت و تشخیص الکترونیکی تخلفات رانندگی در سطح شهر اقدام نماید ، لذا از کلیه سربامیه گذاران واجد شرایط دارای صلاحیت از مراجع ذی ربط و رتبه بندی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور که در این زمینه فعالیت داشته اند دعوت به عمل می آید ، پیشنهادات خود را به همراه خلاصه ای از سوابق کاری و قیمت پیشنهادی ، حداکثرتا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۲، به دبیرخانه شهرداری قوجان ارائه نمایند.

**جیت دریافت اطلاعات بیشتر با واحد خراست شهرداری به شماره تلفن ۰۵۱۴۷۲۲۷۸۵۸ تماس حاصل فرمایید.**

**روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر قوجان**

### کدام رجال سیاسی ایرانی در کربلا دفن شده اند؟



مظفرالدین شاه داخل رواق ققیهان و روی آن با موزاییک فرش شده است.

#### ■ احمد شاه قاجار

احمدشاه فرزند محمدعلی شاه و آخرین پادشاه سلسله قاجار است که در دوران وی، کودتای ۱۲۹۹ ش، معروف به کودتای سپاه، به وقوع پیوست و زمینه به قدرت رسیدن رضاخان، فراهم شد. او در سال ۱۳۰۸ ش از دنیا رفت و در حرم مطهر امام حسین(ع) دفن شد. روی قبر وی را نیز، با موزاییک فرش کرده اند.

#### ■ سلطان حمزه میرزا صفوی

حمزه میرزا فرزند شاه اسماعیل صفوی، از شاعران و ادیبان عصر صفویه بود. وی در سال ۹۶۷ ش در اردبیل از دنیا رفت و در حرم امام حسین(ع) و در رواق ققیهان، به خاک سپرده شد. حمزه میرزا دیوان شعر و کتابی در سلسله انساب و شرح حال شاعران و عالمان، از خود به یادگار گذاشته است.

**رودسری** – تعدادی از رجال سیاسی ایران، در شهر مقدس کربلا و در حرم مطهر امام حسین(ع) مدفون هستند. در ادامه به معرفی تعدادی از این شخصیت ها و شاهیر سیاسی می پردازیم.

#### ■ میرزا اتقی خان امیر کبیر

میرزا اتقی خان مشهور به امیر کبیر، صدراعظم معروف و شهیر عصر ناصرالدین شاه است که به دستور وی، در سال ۱۲۹۸ ق در حمام فین کاشان به قتل رسید. پیکر وی در حرم سیدالشهدا(ع) به خاک سپرده شد. در کنار قبر امیر کبیر، فرزندش ساعدا الملک و برادرش، میرزا احسین خان نیز، دفن شده اند.

#### ■ فرمانروایان آل بویه

فرمانروایان آل بویه، قدیمی ترین اُمَرای دفن شده در حرم امام حسین (ع) هستند. بسیاری از این امیران شیعه، در توسعه، باز سازی و تزئین حرم مطهر سیدالشهدا(ع) و دیگر اماامان شیعه(ع)، نقش مؤثری داشتند؛ مثلاً عضدالملک دیلمی را بانی بنای حرم مطهر امیر مؤمنان(ع) در نجف می دانند.

#### ■ مظفرالدین شاه قاجار

وی از پادشاهان قاجار است که فرمان شروطیت را در سال ۱۲۸۵ ش امضا کرد و در همان سال، از دنیا رفت. او را، بر اساس وصیتش، در کربلا به خاک سپردند. قبر

#### اشاره

پدران ما، هر روز از دهه نخست ماه محرم را به نام شهیدی یا واقعه ای نام گذاری کرده اند تا در عزاداری بر سالار شهیدان(ع) و یاران وفادار او، نظم و یکپار چگی حفظ شود، اما در پس این اقدام ظریف و باریک بینانه، انتخابی عمیق و کار ساز نهفته است که عزادار و عاشق حسین(ع) را، وادی به وادی تا صحرای کربلا می برد، تربیتی می کند و در عاشورا به مقامی می رساند که فریاد سر دهد: «یا لَیْلَتُنِی کُنْتُ مَعْکُمْ». حکایت روایت های شب و روز دهه نخست ماه محرم، حکایت همان آماده کردن دل است که در مجالس عزاداری ما، سخنرانان و مدّاحان متعهد، برای رسیدن به آن مقام، می کوشند و جز رضای خدا طلب نمی کنند. ما نیز، به تبعیت از این سنت حسنه، گام در همان مسیر می گذاریم و در دهه اول، همنوا با همه عزاداران حسینی و با کمک گرفتن از اسناد قابل اعتماد تاریخی، روضه مکتوب هر روز را به شما سروران ارجمند و همراهان گرامی تقدیم می کنیم.

که دشمن، سیدالشهدا(ع) را محاصره کرده بود. در آن گیر و دار، چشم عبدا... به بحر بن کعب افتاد که می خواست از پشت به سوی امام(ع) حمله کند. عبدا... بانگ برآورد: «یا ابن الخبیثة اَتَقْتُلُ عُمَی؟» (ای بی پدر! می خواهی عموی مرا بکشی؟) بحر بن کعب، بی توجه به فریاد عبدا...، شمشیر خود را حواله امام(ع) کرد؛ اما عبدا... دست خود را سپر شمشیر ساخت تا به عمو آسیبی وارد نشود. بحر که چنین دید، نابکارانه، شمشیر را بر دستان نازک عبدا... فرود آورد؛ دودست کوچک او بازو جدا و از پوست آویزان شد. عبدا... مانند همسالانش، مادر را صدا کرد. امام حسین(ع) او را در آغوش کشید فرمود: «ای فرزند برادر م، برآن چه پیش آمده است، صبر کن و امید خیر از سوی خدا داشته باش. خداوند تو را به پدران شایسته ات، به رسول خدا، به علی بن ابیطالب، حمزه، جعفر و حسن بن علی ملحق می کند.» عبدا... در آخرین لحظات عمر به چهره عمومی نگریست که ناگهان، تیری از پشت بر پیکر طریف او نشست و روح از بدن رنجورش مفارقت کرد. آن تیر را حرم لره ها کرده بود... امام حسین(ع) پیکر بی جان برادر زاده را از زمین برداشت و به آسمان نگریست؛ آن گاه فرمود: بخدا یا! باران آسمانات را از آنان باردار و آنان را از برکات زمین محروم کن. خداوند! اگر آنان را نامدّتی بر بخوردار کردی، در میانشان تفرقه و جدایی بینداز و آن ها را در فرقه ها و گروه های پراکنده قرار ده و همیشه حاکمان را از آنان ناخشنود ساز؛ چرا که آنان مار ادعوت کردند تا یاری مان کنند، اما بر ماستم روا داشتند و ما را کشتند.»